

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته اند مقرب انخافان
محمد ولیخان بیکریسی در انتظام امور ولایت تحصیل
موجب است اسودگی رعیت و وصول و ایصال مالیات
و انجام خدمات دیوانی اهتمام کامل دارد و هم چنین
عالیجاه محمد جعفر خان نایب الحکومه استرآباد و غیاب
مقرب انخافان بیکریسی با انتظام امور شهر رسیدگی تمام
دارد

دیگر نوشته بودند که درین اوقات ده نفر از پیاده
وزدگای شهور علی قول ترکان ببرداری سعد نام بمر
راه مرزدین اردو آمده بودند مقرب انخافان
محمد ولیخان سخنر شده عالیجاه آفاخان کتول را
با چند نفر سوار سبه آنها فرستاده و زردان خود را
بجنگل و نیزه انبوهی که مانع خود کرده بودند زده عالیجاه
شارالیه با سرامانی که داشت پیاده شده و
بججوی زردان برآمده بودند با آنها رسیده سردار
دستگیر و پنج نفر زخمی و یک نفر مقتول کرده بودند
سردار مزبور را نیز مقرب انخافان بیکریسی آوردند
اظهار کرده بود که چهل نفر بعبوض خود میدسم مرا مرخص
چون مردی مصدت میشه از زردان مشهور بیکر
مصدرفک دمار و شرارت شده بود مقرب انخافان
بیکریسی حکم کرد او را بدم توپ گذاشته اش دادند

دیگر نوشته بودند که یکصد نفر سواره چار و ابیات
قدسک رفته بودند فراوان انجا خبردار شده

با جمعی پیاده بسر راه آنها رفته با هم زد و خورد کرده
یک نفر از اشرا مقتول و دوسه نفر زخمی شده
بیکر رس اسب نیز از آنها بدست فراوان افتاده باقی
با کمال خذلان و خواری فراری شده هربت کرده
بودند

دیگر نوشته بودند که در ماه گذشته قریب شصت سوار
ترکان بکنار شهر استرآباد آمده بودند که دستبرد
بزنند اتفاقا چهار نفر از رعایای قریه زنگی محمد که تا
یک میدان مسافت دارد سوار مارو برو بر خوردند
مشغول زده و خورده شده بودند قریب یک ساعت جنگ
کرده و دو نفر از ترکانمان را بپیر زده یک نفر از رعیت
هم زخم کلوله برداشته از دانات حول و حوش رعایا
خبردار شده با مد آمده بودند ترکانمان تا بمقتضات
نیار و زواله ر کرده بودند که از دو نفر زخمی خود نشان
یکی را بدر برده فرار کرده بودند و یک نفر دیگر را رعایا
سر نموده سوار با استرآباد آورده بودند

مقرب انخافان محمد ولیخان از قراریکه نوشته اند هنوز
در میان کوکلان مشغول وصول مالیات بوده است و
بعضی از او به جات مالیات خود را پرداخته اند و بعضی
بیکر که دور دست بوده اند در ادای مالیات تعلل و دفع
میسموده اند مقرب انخافان شارالیه نیز آدم نیز عالیجاه
محمد حسین خان کرد فرستاده بود که سواره کرد در راه
بارد و ملحق شود که با جمعی و استعداد سوار و چابک بود
رفته مالیات آنها را وصول نماید

۱۴۷۸

کرمان

از قرائیکه در روزنامه این ولایت نوشته اند از اینهاست
 امیرالامراة العظام محمد حسن خان سردار حکمران بزرگو
 کمال امانت و انتظام در آن ولایت حاصل است و عموم
 اعیان و مالی و رعایا و برابا در عین رفاه و آسودگی
 و شکرگزاری پیاپیستند و از غنای خدایان مستحفظین
 حسب احکام مراقب و مواظب نظم شهر و محلات مستند
 و سرفقت و شرارت از کسی ناشی و صادر نمیشود و چنین
 طرق و شوارع و معابر بلده و بلوک در نهایت امانت
 و عابرین و مترددین با اطمینان و خاطر جمعی عبور مودند

بنامیند

دیگر نوشته اند که چون بسبب خرابی که در قنات اینجا
 از سیلاب بهم رسیده بود صاحبان قنات این
 اجناس را بقیمت زیاد خریداری نموده بمصرف
 قنات میرسانند در ماه مبارک رمضان جنس کباب
 شده و نیمه هم رسانده بود و امیرالامراة العظام سردار
 محض رعایت حال رعیت و حصول دعای خیر سجدت
 اقدس بنامیند شاهنشاهی حبشی که در این باغ گلشن
 ارک و باغ نظر سجدت و خیره ارک موجود بود حکم کرد
 بنجارت و علف دادند و قرار شد که در رفع محصول
 جنس را بقیمت پس بدهند و باین سبب و فوری در جنس
 و توسعه در امر معاش مردم بهم رسیده رفعتش
 خلق شد

دیگر نوشته اند که در ماه مبارک رمضان هوای کرمان
 نسبت به سایر ایام دیگر بسیار خوب و با عدال بود و روز

فی احوال گرم بود و لکن شبها را باد خنک میوزید و مردم
 در ایام صیام شبها در روز نماز و مساجد و معابد مشغول
 عبادت و تعزیه داری بوده اند و اوقات شبانه روز
 بعد از طاعات و عبادات مصروف دعاگونی وجود
 فایض بچود بجا یون شامهای مستند

دیگر نوشته اند که سید نور محمد شاه و سید جمال شاه
 قدما سری که از جانب جناب سردار کاندل خان با عرا
 و پیشکش و خوشنماجات بجهت اولیای دولت علیه آمده بود
 در این اوقات و از ذکر کرمان شده اند چون از اجله
 و از زمره اشرف قدما بودند امیرالامراة العظام سردار
 نهایت احترام و معانداری از آنها باین آزرده چون
 مالهای آنها قدری لاغر و منفلوک شده بود جنسی
 کرمان توقف نمودند که مالهای سواری آنها بحال آمده
 روانه دارالخلافه مبارک که شوند که عرا بعضی پیشکشهای
 خود را از نظر اولیای دولت علیه بگذراندند

اموالی که چندی قبل ازین طایفه بلوچیه در راه لونه برده
 بودند امیرالامراة العظام سردار قورخمر خان حاجر محصل
 کرده با یک نفر از صاحبان مال بیستان نزد عالیجا سردار
 علیخان فرستاده بود عالیجا پشاور الیه نیز پنج بار الاغی سال
 کرمانی و سه ریس الاغ و دو ریس قاطر از ابراهیم خان بلوچ
 مسترد کرده مسجوب آدمی از خود بنزد امیرالامراة العظام
 فرستاده و نوشته بود که این مال را بکنک و نزاع پس گرفتنم
 باقی را نیز وصول کرده با اتفاق محض و حبال جو هم و ستا
 سردار نیز بلطافه شال بسیار سنگین خلت و پنجاه تومان نقد انعام
 بفرستاده سردار علیخان داده مرخص کرده بود

۱۴۷۹

اخبار و اول خارجه

شخصی کلوله تازه در شویس اختراع کرده و مکرر آنرا تجرب
 نموده اند و آن نفسی است که کلوله سازنده پوندا
 دو پوند و نیم بار و طمیدند و پیران و دیت و معادن
 کرد و رتر از کلوله های معارفی میبرد و در تفنگ و چاق
 نیز این قاعده را محری کرده اند و در جنگها بسیار کار
 حوزو

ذکر نوشته اند که در لندن پای تخت انگلیس تحت روا
 تازه اختراع نموده اند برای اشخاصی که در جنگها زخم
 و وارده نفر خوار و در آن جایگیر و موضع مسطح آن جا
 و در فرج و جرح است که برای چهار نفر آنها هر کدام چهار پایه
 در پیش رو او تخته است که با ستراحت بتوانند در آن
 بنشینند و شش نفر دیگر در میان تخت روان و در مرتبه
 آن جایگیر میشوند و در جانب سفلی تخت روان صندلی
 است که آلات و ادوات جراحی و دواها و غیره در آن
 گذاشته شود و هرگاه آن صندلی را بیرون کشند
 مانند میز منظمی میگرد و که عضو مجروحی را بر آن توان گذا
 و برید یا بنجیه کرد و در زیر و وسط آن تخت روان چهار پایه
 که چهل پنجاه کلن آب و پانزده یا بیست کلن شراب در آنها
 میریزند و کلن وزن معمول اولایت است و این سجه است
 که آب یا شراب هر چه برای بیمار آن و زخم داران لازم
 باشد در آنها موجود و نمیا داشتند باشند و
 سجه استر تجیر نیز در آن است که زخم داران را در آنها
 گذاشته تخت روان بیاورند و دیرک و کرباس نیز
 در آن گذاشته اند که در وقت ضرورت در و در وقت

۱۴۸۰

تخت روان بنجیه بزنند و زخم داران را در زیر آنها
 معالجه نمایند و استر تجیر را چنان ساخته اند که
 هر یک بنجیه جداگانه میگیرد و دیرک تخت روان را
 بر آورده در وسط آن نشاندند که سقف بنجیه فرو نهدند
 و این تخت روان را بطوری بسک ساخته اند که با
 نفر زخم دار و آن همه اسباب لازم در سر اسباب
 باسانی یکشد و این تخت روان را ساخته و بحضور
 پادشاه انگلیس و پرنس البرط آورده بسیار تحسین
 نموده بودند و مخترع آن مورد الثقات بود

و دیگر نوشته اند که از معدن طلا که تازه در مملکت روس
 پیدا شده است در این اوقات دو کاری پر از طلا کی
 روان است بطرز بوریغ نموده بودند حال دو سینه
 که این معدن پیدا شده است و این دفعه سیم است
 که طلای آنرا بسپای تخت حمل و نقل کرده اند و از معدن
 که در کوه آرال پیدا شده است چهار پوند و از قرآن
 و محال آنجا نیز درین سال هجده هزار پوند که هر پوند
 عبارت از شش سیر باشد طلا در آورده اند

و هم چنین در کلیفاری نیای سیکلی دنیا نیز نوشته اند که
 سوای معادنی که چند سال است پیدا شده و طلای
 و او آن از آنجا حاصل کرده اند درین اوقات در
 حوالی رود خانه کرن که از اولایت میگذرد معدن
 طلا تازه پیدا کرده اند

عمارت بلور مانند آنکه در لندن پای تخت انگلیس برپا
 کرده بودند درین سال در پاریس پای تخت فرانسه

با اساس و زینت تمام برپا کرده اند و مردم بسیار از
ولایت انگلیس و سایر دول تجارتهای عمارت مزبور
رفته اند و از جمله نفایس و جواهر که آنها که در عمارت
مزبور گذاشته اند الماس بسیار بزرگ شفاف بیدار
مشهور بسیار و جنوب که مستر کاستر است مردم نام
آتراترا شده و صاف نموده در عمارت بلور بجهت
تماشا گذاشته است

دیگر نوشته اند که مارگیری مارهای خود را بیرون
آورده بود و با آنها بازی میکرد درین بین یکی از آن
مارها را بدور کر خود حلقه کرده بود و مار چنان زور
زده بود که سه دنده مارگیر را شکسته بود

دیگر نوشته اند که در ضلع مرز مملکت برزیل زمین
طلاتازه پیدا شده و طلای فراوان از آنجا بدست
می آید و مردم بسیار از هر ولایت بجهت در آوردن
طلا با آنجا میروند

در اخبار هندوستان نوشته اند که از جانب فرنگها
هندوستان حکم شده است که بر روی بعضی از
راههای سکر و سکار پور در سر رودخانه و نهرها
پلهای سنگی بسازند و بر آوردن اجزای آنرا بجهت
چاره بزار و یکصد روپیه کرده اند و از قرار یک نوشته
این پلهای بسیار بکار اهل ولایت خواهد خورد

در اخبار چین نوشته اند که در کانتان و بندر شنگائی
اهلیت تمام بود و سکنه آنجا در رفاه و آسودگی مشغول
کسب و کار و داد و ستد خود بودند و اغتشاش یا غیاب
از آن ولایت بکلی رفع گردیده بود و لکن در زمان دریا

در اطراف آنجا بسیار بودند و شرارت و تاخت
زیاد میکردند و سر کرده کشتیهای انگلیس در آنجا چند
کشتی با جمعیت و توپ برای دفع وزوان مزبور فرستادند
بازار تجارت در چین است بوده و رونق بسیار داشته است

دیگر نوشته بودند که یک کشتی انگلیس موسوم بکوئینس
که حامل چهارصد و پنجاه طنو که هر طنو تخمیناً سه خردار بوزن
تبریز است قماش و متاع چین از بندر شنگائی روان
لندن بود چون شرعهای او را همه بالا کشیده بودند
و سرعت تمام حرکت میکرد ناگهان بکوه خورد و شکسته و
عرق گردید

و هم چنین چهار دو دوی موسوم بهلت که از سنگاپور
بندوستان روانه مملکت استرالیایا شده بود در دریا
عرق گردید و لکن کسانی که در او نشسته بودند بسلامت
پرون آمدند و کسی از آنها تلف نشد

دیگر نوشته اند که در بروسه که یکی از ممالک عثمانیه است
زلزلههای شدید پی در پی وقوع یافته و باز هم اغلب
زلزله میشود و ضرر و خسارت بسیار بر عیایای آنجا
رسیده و میرسد انلیحضرت سلطان بقدر که
خواه با آنجا برسم انعام فرستاده است که صرفت
خوابهای آنجا نموده و باشخاصی که ضرر و خسارت رسیده
به بند

همچنین قسطنطنیه نیز نوشته اند که سه روز متواتر
زلزله شد ولی معلوم نبود ازین زلزله خرابی بکافی
یا ازت کسی رسیده باشد

۱۲۸۱

براه چرخ آتشی بجهت فرستادن پیغام از شهر لشکرهای
طورین و نیز درین اوقات با تمام رسیده است و همه
پیغامها را در آنجا بزبان ایتالیایی میفرستند و لکن چون
زبان فرانسه بیش از زبان ایتالیایی در آنجا متداول است
اهل آن ولایت سعی دارند که پیغامات را از راه مزبور بزبان
فرانسه جاری نمایند

در این توغله کران و مان کم یاب بود است از قراریکه
نوشته اند مزدور و عمده آنوقت که گرسنه و بی نصیب
بودند یکروز از دو حاکم کرده بد کاکین جنابزی هجوم آوردند
ناهار اغارت کرده بودند

چون قرار کشیکچیان مستحقین که در پیشی شبها و روزها
مشغول حفظ و حراست اسواق و محلات میباشد خصوصا
لشکریان هندوستان سابقا چنین بوده است که سیاه
شخصی را که میدیده اند صد میکرده اند اگر آن شخص
میداده است مستحق با آلات حرب بضر او اقدام
میکرده است درین اوقات این قرار را میخوانند و هر
نماینده و بر لشکریان مستحقین قدغن شود که در ایام
و عدم فتنه و فتاد بجهت عابرین دست بسلاح حرب
مگر اینکه دزد و حرامی بودن عابر بر مستحق محقق شود یا خیر
در محل کشیک متصور شود در آن صورت کشیکچی با دود
باشد که دست بالآلات حرب برد

دیگر نوشته بودند که در اوایل ماه می در سرانندیک که سیلان
نیز بنامند طوفان شدیدی بارعد و برق بسیار شدت
شده بود و جمیع زمین در مضمیمه ماه مزبور در سالم طوفان شده
و تکرک بسیار هم باریده و در چهار روز و او گمنداو

بنگور طوفان شدیده و رعد و برق بسیار ظاهر
گردیده بود

دیگر نوشته اند که یکی از دارالشفاهای شهر پاریس تشکر کرده
و هر چه اسباب و بیمار و زخمها را که در او بوده است با نمره
سوحته و تلف گردیده است در ثانی نوشته بودند که
تلف شده است

و همچنین در طراپزان نوشته بودند که پیش از وی عظیم که
تبرکی یا نقون میگویند شده و بازار عطاران و قنادان
و قهوه خانها و چهار دکان جنابزی و یکباب مسجد بکلی
آتا بکک خانه اسپری نرسیده است

دیگر نوشته اند که صاحب مضبان انگلیس که درس
زبان هندوستانی و مرسته میخوانند معین زبانها
مزبور آنها را امتحان کردند کمال مهارت در تکلم
بهم رسانده بودند

اعلانات

کتابهای چاپی و از اختلاف طران که در کارخانه حاجی
باسه چی در محله نزدیکی دروازه و دولا بباع
از تفرار فروخته میشود

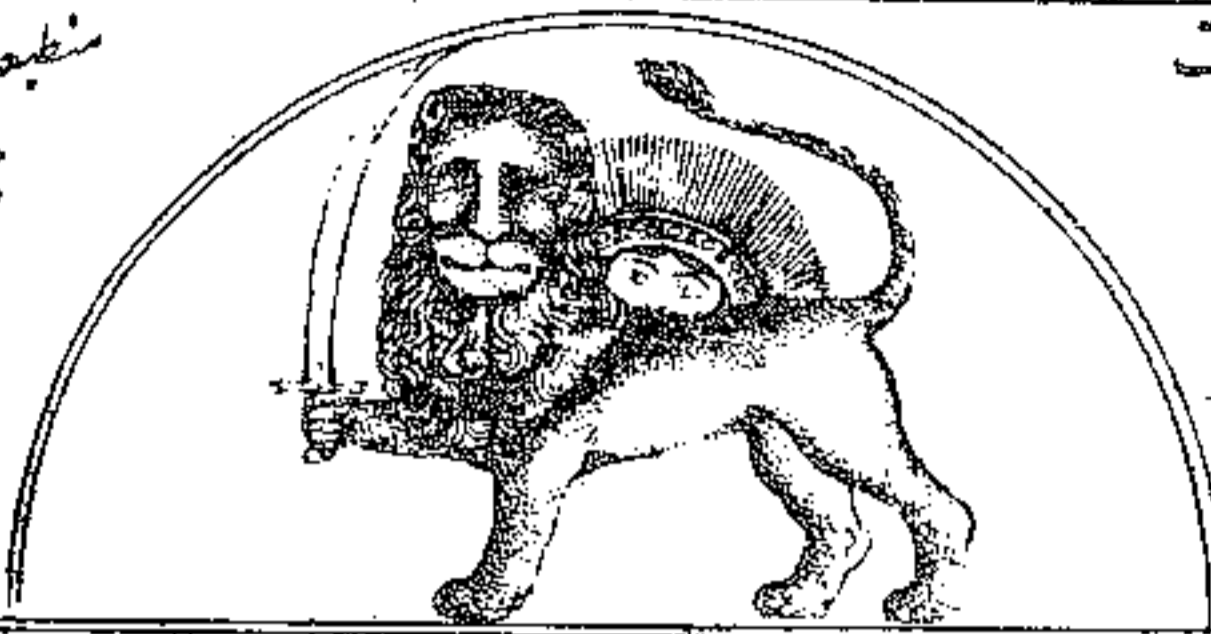
- وسایل بافوست یکجده ده تومان
- ضمت نظامی دو تومان و پنجاه
- سرایر دو تومان
- زبدۃ المعارف دو تومان
- معراج العاده یک تومان
- شاهنامه چهار تومان و نیم
- حدیقه السیعه هشتاد

روزنامه وایح اتقاییه مباح یوم شنبه و شکر و تحیح احرام مطاب استغاثه ۱۲۷۱

مذاهب و سرفه

قیمت روزنامه

هر نسخه ده م



منطبه دار الخلفه طهران

قیمت اعلانات

هر خط یک م

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

ارووی جایون

سرکار عالی حضرت شاهنشاهی که در چهارم ماه که تشریف فرمای جایون لاریشند از قرار که نوشته اند در انجا بر وجود مبارک بسیار خوش گذشته است بیلاق مزبور در هوای خوش چشمه های کوار از اغلب جایها امتیاز نام دارد بعضی از روزها را شاهنشاهی بجهت شکار و تفریح اطراف سوار شده و از هر قسم شکار کوهی و غیره فرموده اند از قورخانه مبارک که حسب الامر اساس شکاری بارووی جایون برده بودند در شب یکشنبه بیت و یکم ماه و نهمه اسباب شش بازیرا در قتل کوههای بلند حیده در اول شب بنامی شش بازی از قتل مزبور و اغیار توپ و زنبورک و در دامنه کوه نموده اند چون اسباب شش بازی را در جایهای مرتفع شش داده بودند از اغلب دامت لواسان و شمیران پیدا بوده و

یکساعت امتداد داشته بسیار مطبوع و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده بهمه قورخانی و زنبورکی و صاحبان که مشغول شش بازی بوده اند انعام حمت شده است و یکروز نوشته بودند از هر قسم آذوقه و ما یحتاج علی التمام از اطراف بارووی جایون می آورند و هر چیزی فراوان و ارزان است و بهمه ملزمین رکاب مبارک بسیار خوش میگذرد

نظر بحسن اتهامات نواب مستطاب شاهزاده والا مبارک ام خانلر سیرز احکمران برود و عربستان و ختاری و لر و انتظام امر ولایات ابوالجمعیتی خود و انجام خدمات دیوانی و ظهور هر اسم خاطر اقدس جایون شاهنشاهی در باره نواب سعیدی الیه درین اوقات یک شب کلیجه ترمه از طبوس بدن مبارک برسم خلعت با طهر فرمان مبارک که مبنی بر التفات از جانب سنی ابوجهل ملوکانه بجهت ایشان حمت و ابرار شد

۱۲۸۳

نظر مراتب استداد و شایستگی عالیجاه فتحعلی بیگ
 نایب ابجدان باشی و رین اوقات حسب الاشارة
 منصب سرمنکی فوج نسا بور باو رحمت و بلقب خان
 سرافراز کرده فرمان بایون و رباب منصب و لقب
 او شرف صدور یافته تجلعت مهر طلعت شاهنشاهی مخلص
 شد و درین روز مانده و تدارک خود را وید و بسرفوج
 مزبور خواهد رفت

و جم حسین عالیجاه کریم خان سرمنک قدیم فوج نصاب
 در این اوقات حسب الاشارة العالیه منصب سرمنکی
 ترشیزی سرافراز و فرمان بایون شرف صدور یافته
 جلعت اقباب طلعت باو رحمت شده این روز مانده
 و بسرفوج مزبور روانه است

نظر تحسین خدمات و لیاقت عالیجاه حاجی شکر ایدیک
 باور توپخانه مبارک و آردلی باشی جناب جلالتهاب
 اشرف امجد از قاع انجم صدر اعظم در این اوقات منصب
 سرمنکی توپخانه مبارک باو رحمت و فرمان مهر لجان
 شرف صدور یافته و رازای منصب مزبور یکطایه و شال
 از جانب سنی بچوب لوکانه طلعت باو رحمت یافته

و ارانکلا و طهران
 عالیجهان سید نور محمد شاه و سید جمال شاه قدس
 که از جانب جناب سردار کندل خان حکمران قندهار
 با عریضه و پیشکش بدربار بایون شاهنشاهی آمده بود
 درین روزها و اراد و ارانکلا و مبارک که شدند و در
 و روز شان حسب احکم نواب مستطاب شاهزاده و اولاد
 اردشیر میرزا حکمران دارانکلا و طهران و توابع عالیجاه

۱۲۸۴

میرزا زمان و میرزا رضای که خدا و زکلیخان که خدا
 با بر اسم میرزای قدساری آنها را استقبال نمود
 بعد از ورود و دهم نواب معزنی الیه شیرینی بمنزل آنها
 فرستاده لوازم عزار آنها را بخل آوردند

سایر ولایات

خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان
 نوشته اند و فوریت و فراوانی در آن ولایت حاصل
 و امسال بچند زراعت هر جای خراسان بهتر از
 سالهای دیگر بعلل آمده است ولی میوهجات سردی را
 از قراریکه نوشته اند سرما زده و تلف کرده است

و دیگر نوشته اند که قشون متوقف خراسان از نظام
 و سواره در کمال نظم و معقولیت و حسن سلوک حرکت
 میکنند و خلاف حسابی از آنها نسبت بکسی ناشی و
 میشود و افواج قاهره متوقف ارض افس هر روز
 در میدان توپخانه مبارک حاضر شده تا ساعت
 از روز گذشته مشغول مشق میباشند و از جانب
 صاحب مضیمان نهایت اهتمام در مشق و انتظام
 در آنها بعل می آید امر قزاقان فانیهای ارض افس
 بسیار مضبوط و عظیم است و اگر بندرت سرفقی
 اتفاق بقصد سارق با تمام سختی و در اولان
 دست آمده بیه سیرا و اموال مسروبه مسترد و
 تسلیم میشود

و دیگر نوشته اند که نواب مستطاب شاهزاده جنتم و اولاد
 فرمانفرما حکمران مملکت خراسان و مقرب انخافان

در انتظام امور ولایت و رفاه و آسودگی نوکرو عت
 اتهامات کافی و مراقبات کامل بعمل می آورند کسیر
 مباشرین و غیره یکسری جبرست تعدی و قدرت زیاد
 نیست و نهایت رفاه و فراغت برای رعایا و اهالی
 آنجا حاصل است مقرب انخافان در زیر نظام در
 نظام امور سرکار فیض آنا سعی و کوشش زیاد و

دیگر نوشته اند که روزگار زیاد از اطراف مالک
 بزیاارت روضه تبرکه روضه می آیند چنانچه اغلب
 اوقات دو سه هزار روار در ارض اقدس مستند
 با وصف این محله کمال ارزانی و فراوانی است

گردستان

از قراریکه در روزنامه گردستان نوشته اند
 از حسن مراقبت امنای دولت علیه و اهتمام مقرب انخافان
 امان الله خان والی امور ولایت از پرورش زمین
 انتظام و کمال امنیت و وفور نعمت در آنجا حاصل است

نخله و جویات هر حمزی فراوان و ارزان است
 از قراریکه نوشته بودند از غره شهر سوال الی شتم
 هو اور غایت اعتدال بود و از نهم تا یازدهم هر روز

حوالی عصر در جوار مسجد و کی و انقلاب همسریه
 شروع بارندگی نمود مگر زیاد و باران شدید
 آن بطوریکه در تمامی رودخانهها آب زیاد شد

کرده و در گردستان سیلاب جاری گردیده و بعضی
 از دانات که در کوه پاپها و نزدیک رودخانهها بود
 کابیش خرابی رسیده بود و در هنگام سیل چند نفر

از مردوزن را نیز سیلاب غرق و تلف کرده بود
 از جمله در دیر مولی و و نفر و دختر را آب برده بود
 که یکی از آنها مفقود الاثر و از مرده و زنده او خبری
 ظاهرا بر شد و یکی دیگر کیوسیش بدرخت پیچیده و بند
 شده بود که بعد از فروکش کردن سیلاب مرده
 او را با نظر باقیه بیرون آورده و دفن کرده بودند
 قریه سرخانه هم یک نفر فالیزبان را از سرخان فالیز
 آب سیل پیش کرده برده بود که از مرده و زنده او خبری

اثری ظاهر شده است

دیگر نوشته اند که از ایلات جاف که هر ساله تعدی
 و اجحاف بابل گردستان می شد امسال از آنها
 مقرب انخافان والی تعدیات آنها بکلی موقوف گشتی

از معتبرین آنها برسم گروی در نزد مقرب انخافان
 مشارالیه مستند و باین واسطه دست تطاول اشرا
 اهل مزبور بکلی کوتاه گردیده و اهالی گردستان این
 مرحله در عین رفاه و آسودگی و شکر گذاری میباشند

دیگر نوشته بودند که در نیم ماه سوال در جوانرود بارش
 زیاد شده و کرنگین را که داد و ستد عجمه اهل آنجا

از آن است با لکه شسته و یاس کلی بجهت اهل آنجا از
 حاصل کرنگین روی داده است و در پیاده نیز که از
 محال جوانرود است مگر که شده بد آمده بوده است

که هر دو آن بدبستی گردونی بوده است اگر چه
 چند آن طوبی کشیده بود ولی در همین قلی بدست
 زیاد باشجار و میوهجات آنجا زده و بسیاری از شاخهای درخت

۱۴۸۵

سمنان

انقرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند نهایت
 نیت و ارزانی در اینجا حاصل است و عالیجاه ^{ناجیه}
 ارعایا و اهالی اینجا کمال حسن سلوک و رفتار را دارد
 و رعایا از هر جهت آسوده و شکرگزارند

بیکر نوشته اند که عالیجاه علیخان که با سواره ابوالمحججه
 خود با مورخ سمنان بود در چهارم ماه سوال وارد
 سمنان شده چون چادر بجهت آنها از دیوان اعلی حواله
 بانجا شده بود یک چهار روز بجهت گرفتن چادرها
 توقف نموده و چادر را دریافت کرده روانه محل مأموریت
 شده اند در ایام توقف اینجا خلاف حسابی از آنها سوار
 نزده است و موافق قاعده حرکت کرده اند مگر یک نفر
 از سواره مزبور بدکان بقالی رفته بود و بخیر بخیر قبل
 خریدن چند دانه انجیر خورده بود بقال با او نزاع نمود
 بنزد عالیجاه مشا را لیه رفته عارض شده بود او هم
 آن سوار را خواسته و تنبیه مفسوبی کرده بود

بیکر نوشته اند که در سال قبل قدری اسباب از خانه
 شخصی بفرقت رفته و آنچه تفحص کرده بودند سارق مملوک
 شده بود درین اوقات خدمت آن شخص را که ^{بجمله}
 اسباب سر و قد بود در دست ابراسیم نام خانیا کرد
 او دیده بودند او را بنزد نایب الحکومه برده مشا را لیه
 بزبان خوش و طمیت او را با قرار آورده آنچه اسباب
 سر و قد موجود بود بعینه مسترد کرده و آنچه فروخته بود
 قیمت آنرا گرفته بجا بشن تیم کرده بود

و بیکر نوشته اند که مقرب انخافان ابو الفتح خان سرتیب

فوج شقاقی که با فوج خود با مورخ خدمت سمنان بود
 در نهم ماه سوال وارد سمنان شده بود چون در روز
 و روز دهم باران او قدری بخرمنهای رعایا ^{دراز}
 شده بود صاحبان خرمنها آمده عارض شدند مشا را لیه
 نیز آن سرباز را را خواسته تنبیه نموده و قراول بر سر
 خرمنها گذاشته بود که کسی از سربازان دست بردارد
 بجای عیب نکند و نیم چنین در روز دهم ماه مزبور
 مقرب انخافان پاشا خان سرتیب افواج سمنان
 و اسنان وارد اینجا شده و در روز و روز و صاحب
 خود هسته و قدغن کرده بود که تا پانزدهم ماه مزبور
 جمیع سربازان را از ولایت حول و حوش و بلوکات
 حاضر نمایند که روانه سمنان شوند روز دیگر
 صاحب منصبان و سربازان خانه شهری یکی در
 خارج شهر چادر زدند و سربازان و بلوکات
 هم منعاقب و متوالی با آنها ملحق شده مقرب انخافان
 پاشا خان اتمام ریاد در نظم آنها نموده و همه سربازان
 و صاحب منصبان را خواسته و اقرام از آنها
 گرفته بود که اگر اهدی از آنها در منازل عرض راه
 بمحصل و میوه عیب دست درازی نماید یا بخلاف
 حساب با اهدی رفتار کند تنبیه نظامی شده
 تومان جریمه بپردازد و از منصب و نوکری معزول باشد
 آنها نیز موافق الترامی که سپرده اند در کمال نظم
 و بقاعده و قانون حرکت میکنند و از تیم مجرم و
 سیاست نظامی جرئت تعدی و حرکت خلاف حسابی
 نسبت با اهدی ندارند

۱۴۸۶

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند زوار
 بسیار از انولایت بزیارت مشهد مقدس رفته بود
 درین اوقات باو طمان خود صحیحاً سالماً مراجعت کرده
 نهایت شکر گذاری از اینست طرق و شوارع داشته اند
 که کمتر ایامی طریق کرمان بجز اسان این قسم امن بود
 که زوار و مترودین باین آسودگی و الطمینان بتوانند عبور
 و مرور نمایند و مذکور شد که محض حصول این ایمنی
 که بجهت زوار فراغت و آسودگی میسرست در اوقات
 توقف در ارض اقدس کل زوار همه روزه در روضه
 مقدسه رضویه علیه الاف الثناء و التحیه مستحفا و ست
 بدعای وجود فایض وجود اقدس بجا یون شاهنشاهی
 بند میگروه اند و بجهت حفظ و حراست زوار و راه لوت
 امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان
 بجاه نفرتشکی مخصوصاً معین کرده است که زوار را از
 منازل مخوف آنجا باطمینان و آسودگی عبور و مرور بدهند
 و نیز از قراریکه نوشته اند زوار در مراجعت مذکور بود
 بودند که در راه لوت حوضی بود که زوار از آنجا آب میسریدند
 و آب آنجا مختص بجان حوض بود در این اوقات حوض
 مزبور خراب و پر از خاک و گل و خالی از آب است و بجهت
 زوار و عابرین این حوض عسرت حاصل است امیر الامراء
 سردار محض استحضار آدمی مخصوص مأمور به بلوک
 وجه مخارج حوض مزبور را مراده کرده قرار داد که مقنی و عکله
 و چادر و سایر ملزومات آنچه در کار باشد با آنجا ببرد
 حوض مزبور را پاک و تعمیر کرده بر آب نمایند که عابرین

ازین باب نیز آسود و خاطر باشد

دیگر نوشته بودند که فوج خلیج ابو الجهمی عالیجاه مغرب
 شیخی خان سرسپ با سواره چهار دوی که مامورند
 کرمان بودند در این اوقات وارد آنجا شده اند و عالیجاه
 رستم خان سرسپک در دوازدهای شده و ارک را که تبار
 فوج او بر قرار بود بفرج خلیج سپرده خود با فوج قراقرز
 و خارج شهر نقل مکان کرده چون قدری از سر بار
 او نیز در ارک بم سا خلد بودند عوض آنها نیز از فوج
 خلیج شخص شده روانه گردیدند که پس از وصول آنها
 بارک بم بقیه فوج عالیجاه رستم خان از آنجا بکرمان
 آمده با ولحق شوند که بدار انخداف مبارک که روانه گرد
 و دیگر نوشته اند که االی بلوکات از رویه و اسفند قهوه
 بعضی سردار رساندند که محصول آنها را از تک ذره
 و بخی صنایع و تلف کرده است و صرفاً حش با مال
 آنجا رسیده است بطوریکه بقدر بد آئینه محصول
 ندارند عالیجاه محمد علیخان و چند نفر مقصدی و غیره
 حسب الامر رسیدگی این مراتب مأمور شده رفتند
 رسیدگی کردند فی الحقیقه ضرر زیاد ازین حوض بلوکات
 مزبوره رسیده بود بعضی از اهل آنجا که بی بصاعت
 بودند و قوه زراعت نداشتند امیر الامراء العظام
 از خود بیدر و غیره آنها را مساعدت کرده و در
 نموده بود که از کار عمرستی و زراعت خود باز نمانند
 و مالیات بلوکات مزبور را علی الحساب موقوف اجحوا
 داشته است تا بعضی اولیای دولت قاهره رسانند و حق

۱۴۸۷

آنها مبدول شده

دیگر از قراریکه تسیر اجناس کرمان را نوشته بود
 در ماه گذشته از اینقرار بوده است
 کندم کچھوار سه تومان و نیم
 جو کچھوار دو تومان
 ارزن کچھوار هفتدہ ہزار پانصد
 برنج چپای از رونی یک من یکہزار و سی
 برنج چپای فارسی یک من ہفتصد و سی
 برنج رسی یک من ہفتصد و بیار
 برنج شہری یک من دہ شاهی
 روغن یک من دو ریال
 گوشت یک من ہفتصد و بیار
 شکر یک من ہشتصد و سی
 شیرہ یک من ہزار و بیار
 قند ارسی یک من ہشتہزار
 قند یزدی یک من ششہزار
 نبات یک من ششہزار
 شکر یک من چہار ہزار
 سایر اجناس با کولات و غیرہ آنجا نیز بہین
 مندرجہ است

واعیان خلعت ہما یون را استقبال نموده لوازم
 توقیر و احترام را بعل آوردہ اند و در باغ خارج شہر
 زیب میکردن مفاخرت و مہمانت خود کردہ عالی و اعان
 رسوم مبارکبیا و بعل آوردہ صرف شربت شیرینی
 نمودہ شہر محبت کردہ اند

دیگر نوشته اند کہ در باب اخذ سال دیوانی بلوکات
 کرمان امیر الامراء العظام سردار در ہر حال رفاه و
 اسودگی رعایا را منظور دارد و از جملہ در بعضی بلوکات
 همان کہ خداورش سفید انجا را خواستہ و قرار دادہ
 کہ بدون مطالبہ و مزاحمت محصل مالیات خود را از
 قرار قسط آوردہ تحویل بدہند و بعضی از بلوکات سرد
 و دور دست را کہ بدون ضابطہ نمی شود ضابطہ این
 درست رفتار معین و مامور نمودہ است کہ بحسن سداک
 رعایا را از خود راضی داشتہ باشد و مراقب باش
 کہ کسی زیادتی و اجحاف بدگیری نماید و چنین کسانی
 در سال گذشتہ ضابطہ بلوکی بودہ و بار رعایا حسرت
 و رفتار سلوک داشتہ و رعیت آن بلوک از اذرا
 بودہ اند و در ہندہ اسنہ نیز همان ضابطہ را با رہبان
 بلوک مامور نمودہ است و ہر یک از ضابطہ کہ در آن
 گذشتہ بر رعیت زیادتی و اجحافی کردہ بودہ است
 مقرر داشتہ است و در فرخانہ عالیجاہ میرزا شہباز
 مستوفیان کرمان رسیدگی کردہ اند ہر چہ زیادت
 کردہ بودہ است محصل گذاشتہ حکما از آن ضابطہ
 و بر رعیت تسلیم و اورا از غل خود معزول کردہ است رعایا از
 زیادہ شاکر و دعاگوی دولت جاویدت علیہ علیہ

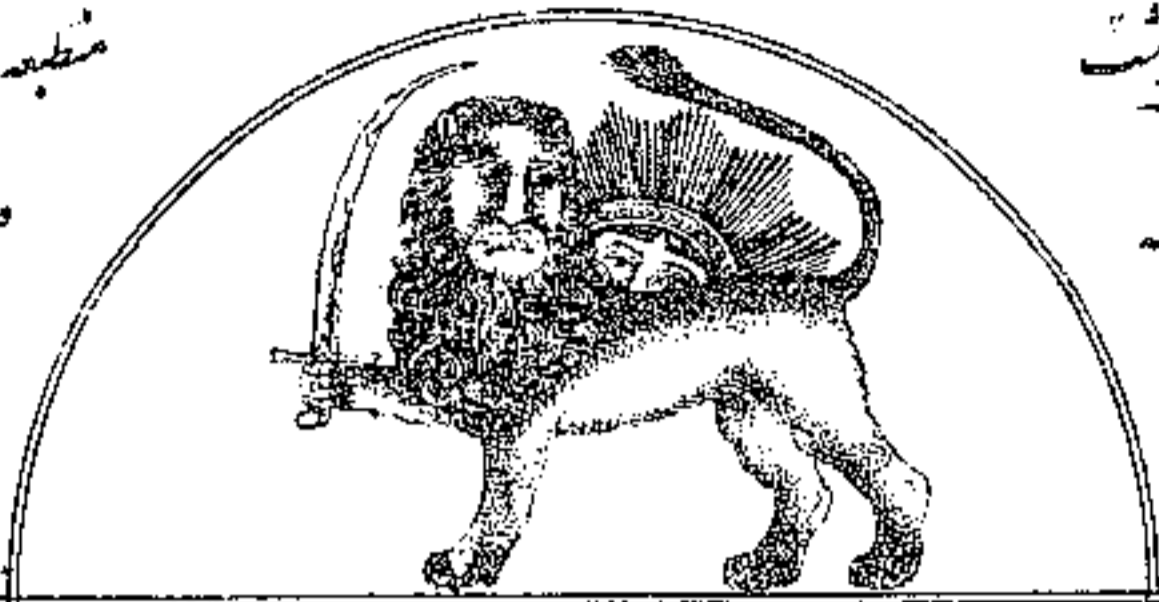
۱۴۸۸

روزنامه و فایده ایستادگی پوچم سببه علم سهریجی احرام مطایب سال ۱۲۷۱

مزره یک بر وقت

قیمت روزنامه

هر نسخه ده شایبر



منطبعه دار اسخلاق طهران

قیمت اعلانات

هر خط یک شایبر

اخبار و احداثیه ملک محروسه پادشاهی

اردوی بهایون

اعلیحضرت اقدس شاهی از آن محل بلاق لار که تشریف داشتند در روز ۲۲ ماه گذشته حرکت به سمت پانین رودخانه لاریجیل موسوم به فرموده دوسه روز در آنجا تشریف داشتند باران شدید و تگرگ زیاد در شب بیست و پنجم آمده بطوریکه کسین از رودخانهها و بعضی جا بهای دیگر جاری گردید از آنجا موکب بهایون تقریباً متعلق بجناب امجد شرف ارفع صدر اعظم تشریف فرما گردیده لوازم پای انداز و قربانی و پیشکش از جانب متعلقان جناب معظم لعل آمد چون خود جناب امجد ارفع و جناب نظام الملک بر حسب اذن و اجازت اعلیحضرت شاهی بجهت رسیدگی امور ولایتی و دیدن متعلقان اهل ولایت از بیلاق لاریجیل روز مقرر شده بود رفته بودند در روز تشریف فرمائی موکب بهایون پانین

برکاب حضرت افتاب محاد دست نمودند از فرار کجاست از اردوی بهایون رسید بجهت خوبی و صفائی افجه عید اصحی را اعلیحضرت شاهی در آنجا تشریف دارند و سلام عید در آنجا میشود و مقرر فرموده اند که اهل اصحاب طرب و غیره بطوریکه سال گذشته در دادگاه حاضر شده بودند امسال در فریاد افجه شرفیاب شوند چون جناب جلالت آب موسیو بوره وزیر مختار و ایچی مخصوص دولت فرانسه از روز و روز بدبار دولت علیه ایران بکمال معقولیت و حسن رفتار حاضر مبارک اعلیحضرت اقدس شاهی را از خود خشنود راضی ساخته در انعقاد عهدنامه دوستی و تجارتی فیما بین دولتین ذیگو کین ایران و فرانسه نهایت اهتمام بعل آوردند و لهذا اعلیحضرت اقدس شاهی بهایون شاهی محض ظهور کرمست خاصه در حق جناب سزای الیه و بجهت

۱۴۸۹

تعیین بنای اتحاد دوستی و ولتین یک قطعه نشان
 مکتول بالماکس و شیخ بمشال مرشال هایون و جمعی
 الی مخصوص درجه و مرتبه نشان مبارک که از اعظم
 اجل نشانهای این دولت است بافتخار جناب معری
 مرحمت و دو قطعه نشان شیر و خورشید یکی از مرتبه
 دویم و ستاره دار بافتخار عالیجاه فتحان مستسرا
 کنت دو کبیو و دیگری از مرتبه دویم بدون ستاره
 بافتخار عالیجاه مجد مستسرا و موسیو نیگولا مستر
 اول سفارت عنایت گردید و نشانهای مبارک
 روز چهارشنبه عرزه ماه ذیحجه الحرام که عید تولد
 امیر اطور فرانس بود بصحابت عالیجاه میرزا ملکهم
 و مر حیم مخصوص دولت علیه ابلاغ شد که این مکر
 و لیلی واضح بر اتحاد دوستین و استحکام روابط
 دوستی جانین بوده با و جناب وزیر مختار بمشال
 مرشال هایون و صاحب مصبان مشال را لیهانها
 مبارک را در کمال توقیر و احترام در روز نور
 که عید مولود اعلیحضرت امیر اطور فرانس بود ریب
 پیکر مفاخرت خود ساخته احسن نیت و مراتب
 یکجستی اولیای این دولت نهایت امان را
 حاصل نمودند

۱۴۹۰

کذفته برکاب مبارک میاورد و بجهت ظهور رحمت ملوکانه
 یک قبضه شمشیر کل مرصع بشار البه التفات شد که
 سبب مزید مفاخرت او شده بکمال خوشدلی مشغول
 انجام خدمت محوله بنجود باشد

و نیز نظر بطور مرحمت ملوکانه در حق مقرب انخاقان
 و ملاحظه شایستگی و لیاقت عالیجاه متوجه انخاقان
 ابراهیم خان سپهسالار و منصب سر بنکی فوج جدید
 امیریه را عالیجاه ابراهیم خان مرحمت و یک قطعه نشان
 کرمانی خوب رسم با خلعت عنایت گردید

و از اختلاف طهران
 امورات و اختلاف مبارک که همه جهت قرین نظام و
 سجد الله نهایت ارزانی و فراوانی است و بهر چیزی
 کمال و فوراً دارد در شب نهمین بیت و پنجم ماه که
 در شهر و اختلاف نیز باران شدیدی آمد لیکن
 خرابی بجائی و اذیت بکسی نرسید و بالفعل هواکی
 و از اختلاف کمال خوبی و اعتدال را دارد نواب
 شاهزاده و الا تبار را در شیر میرزا حکمران و اختلاف
 طهران و مقرب انخاقان میرزا موسی در دربار هایون
 و مقرب انخاقان میرزا زمان امیر دیوانخانه مبارک که و
 اتقای نایب الصدر و عباس خان وکیل دیوانخانه و
 میرزا عبد الرحیم مشی باشی در دیوانخانه مبارک که و
 محمد خان بیکر بسکی میرنجه و اغلب صاحب مصبان
 نظام در عمارت بانع جناب شرف امجد از رفع هم
 صدر اعظم و مقرب انخاقان میرزا رحیم محصل کل محاسبات
 و مستوفیان عظام در عمارت منور هر یک مشغول

انجام خدمات محوله بخود میباشند و همه روزه
عموم صاحب منصبان نظام بمنزل مقرب انخافان
محمد خان بیکر بیکسی و میر پنجه جمع شده هر امری که
داشته باشند اظهار کرده صورت انجام دادند
میشود و امور نظامی در کمال نظم و قاعده است
و خلافتی از اهل نظام نسبت بکسی سر نمیزند و اگر
بندرت از یکی خلافتی ظاهر شود همان ساعت
در جلو اطاق نظام تنبیه نظامی میشود

چون سخته گرمی هوا چندی مشق توپچیان و زنبور
و افواج قاهره متوقف دارانخلافت مبارکه که حسب
موقوف شده بود این روزها که شدت گرمای
یافته و هوا اعدال بهم رسانده و خوب شده
ارزوز سه شنبه سلخ شهر ذی قعدة الحرام نیکی
مشق گذاشته شده افواج قاهره از طلوع آفتاب
تا دو ساعت ارزوز بالا آمده همه روزه در میدان
مشق حاضر گشته مشق می نمایند

و هم چنین محلیین و متعلین دارالفنون همه روزه در
و تعلم قواعد نظامیه از حربیه و طب و غیره کمال سعی
و اهتمام را بعمل می آورند

در یوم چهارشنبه غزه اینجاه که روز عید تولد
امپراطور فرانسه و در همان روز جناب جلالت تاب
موسیو پوره وزیر مختار و ایلمی مخصوص دولت
بهیته فرانسه و صاحب منصبان شایه های همی
اعلیحضرت شایه های را آویزه بیکر مفاخرت خود
کرده بودند عالیجاه محمد حسن خان نایب شیکه آقا

باشی از جانب نواب مستطاب شایه هزاره اعظم
و بعد دولت ابد داروه مجبوه شیرینی و عالیجاه
محمد و خان کلاتر از جانب نواب مستطاب شایه
و الا تبارار دشر میرزا حکمران و اراخلان
و توابع پنج مجبوه شیرینی بقریه رستم آبا و که منزل
جناب مغزی الیه و صاحب منصبان سفارت
بود برده لوازم تهیت و مبارکیا در اهل آوردند
و جناب مغزی الیه نیز کمال معقولیت و امانت را

معمول داشتند

چون عالیجاه زنده الا کا بر ایچه خواجه اللهو پردی
ارمنی مراتب امانت و صداقت و درست کاری
خود را مشهور و ملحوظ اولیای دولت قاهره ساخته بود
درین اوقات حسب الاشاره العلیه منصب ناظر
تجارت را منداوز با بجان تبعه این دولت علیه سرافراز
و در ازای منصب مزبور خلف هر طلعت تا یون نیر عالیجاه
شارالیه مرحمت کردید که از روی کمال امانت کفایت مایور
حسابات و داد و ستد تجار مزبور رسیدگی نماید

چند نفر از رعایای سید اسفان قزوین مدبر بارها یون غلام
شده بودند که برادر مارا در حمله کشته اند و نسبت قتل بر
عالیجناب میرزا عبد الجواد شیخ الاسلام ابرود داده بودند
امنای دولت علیه محصلی از دیوانخانه مبارکه معین و تعلیق
بعده مقرب انخافان حاجی حسنعلی خان پیکار قزوین صادر
شده چهار نفر قاتلین را گرفته مدار اخلان فرستاد و معلوم
که دغلی بجای شیخ الاسلام کسان آویخته مقرب انخافان میرزا
ابرو دیوانخانه آنها را داده در نظام مجربس کرده اند تا حکمان
شود

۱۴۹۱

سایر ولایات فارس

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب
مؤید الدوله طاب سب میرزا حکمران مملکت فارس در این
امر ولایت و انجام خدمات دیوانی کمال مراقبت و
مواظبت را بعمل می آورند و روزی یک ساعت از وقت
بالا آمده الی یک ساعت از ظهر گذشته و در دیوانخانه
بعضی از مطالب مردم رسیدگی می نمایند و در
حال عموم اهل ولایت و اسودگی رعیت نهایت وقت
بعمل می آورند و همچنین در انتظام امر طرق و شوارع
و تعیین مستحفظ و قراقران قدغن اکیده نموده اند
که اسودگی و اطمینان سجه عابرین و سردین حاصل باشد

دیگر نوشته اند که سرعت در شهر از نسبت سابق
بسیار کم شده است و درین اوقات دولت شارق
و سیکر شده بودند بعضی نواب شایسته برادره مؤید الدوله
رسیده حسب احکام سیاست شدند و بواسطه
انجام نواب معززی الیه در قطع و فتح سارقین اگر
در روزی باشد سر برادر به حمل کشیده چو تیر
نذارند

دیگر نوشته اند که در شب جمیع و ششم ماه شوال
چهار ساعت و نیم از شب گذشته زلزله شدیدی
در شهر شیراز شد و لی سجه اندک سببی کسی و خرابی
سجانی نرسید

دیگر نوشته اند که حاجی محمد علی نام مشرف فوج
اصفهان

بفرقانه مبارکه آمده برات یکا به سیورسات
شوال المکرم فوج اصفهانی را که از فرقانه مبارکه
ضاور نموده بود دست و پانها داد و اظهار کرد که درین
در هر روزی دو از ده من علق و شش من جیره علاوه بر
سیورسات فوج قلندار شده چنانچه عالیجناب
محمد ابراهیم خان سرینب مطلع شود در مقام مؤید
و تیب بر می آید مستوفیان نیز زیاده جیره و علق
از برات مذکور بر کرده و مشارالیه را سبب است
قلعی تخمین کرده بود

دیگر نوشته بودند که نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا
در انتظام امر لارستان و بندر عباس کمال سعی
و اهتمام را دارند عالیجنابان رضاقلینان سرینب فوج
عرب و مصطفی خان بسکی و باقرخان تنگستانی هر یک
با جمیع خود مشغول نظم امور صفحات بندر عباس
میباشند و در مراسم ساغدی و حفظ و حرمت
با وصف شدت کرامی آن صفحات کمال اهتمام
دارند

مغرب انخافان عبداللہ خان صدارم الدوله باصف
الو اجمنی خود در دارالبحر و لوقت وارد بندر عباس
از بندر عباس اغلب سرایز و اهل اردوی مشارالیه
بعضی بوده و بعضی بهسم تلف شده بوده از بندر
ناخوشی از میان اردو رفع شده بوده است در
ثانی باز ناخوشی در میان آنها بهرسیده و بقدر
بچاه شفت تلف شده اند و لی از فرار یک نوشته
بودند مغرب انخافان رالی سلک جمیع خود در کمال نظام وارد

۱۴۹۲

آذربایجان

افترار یک روزنامه این ولایت نوشته از
از مقامات نواب مستطاب شاهزاده والا تبار نصر الله
و مقرب الخاقان قایم مقام امور آذربایجان هر چه در
انتظام و انضباط است و نوکر و رعیت مرفه محال
هر کس مشغول شغل و کار خود میباشد و خلاف خیالی
از کسی ناشی و صادر نمیشود

مقرب الخاقان قایم مقام افواج قاهره و سواره و
متوقف آذربایجان را بجهت بدین سان و تعیین نماید
و نقصان در رسیدن سایر اعمال ایشان به تبریز
مموده بود

سواره شاطرا و احضار تبریز است و مقرب الخاقان
قایم مقام سان آنها را دیده آنچه اسباب بد است
عوض نموده و اع کرده اند و در رسم سوال روانه
خندان کرده اند که چند روزی در اینجا توقف کرد
بعد از پرداختن مستحقان مواجب شتابه روانه در باب
بنا یون شوند

فوج جدید مراد ابو الجحج مقرب الخاقان حسین شاهخان
میر بیچ در سر حروفی ساخلو بود و چون فوج آکوئی
مرخص خانه نمودند و نصف فوج نهم ابو الجحج عالیجاه
ابراهم آقا همیشه در خوی مستند بود و فوج مراد
در اینجا لرزومی داشت لهذا آنها به تبریز احضار شد
بعد از دادن سان مرخص خانه کردید و چون عالیجاه
بسکندر خان سمرقند فوج مزبور و در انتظام امر فوج
اتهام کرده بود و مقرب الخاقان قایم مقام از جانب

اولیای دولت علیه یکتوب کلججه با و خلعت داده
همراه فوج مزبور مرخص خانه کردید

فوج اردبیل و مشکین ابو الجحج عالیجاه حسنعلی خان
به تبریز آمدند و بان آنها رسیدگی شده جدید
و بهیصرف در میان آنها بسیار بود و اشخاصی که بکار
خدمت نمی آمدند و بی با بودند مقرب الخاقان قایم مقام
انها را اخراج کرده و قدغن نمود که جوانان خوب و با
و او طلب بگیرند و پسندی در تبریز بود و مشغول شغل
باشند معین نظام حسب الامر در میدان سربازخانه
مشغول شغل و ادن آنها باشند

تو پشیمان آذربایجان که متوقف خانه بودند طایفه
بطایفه از تبریزی که بودند به تبریز احضار شده
بان آنها نیز به وقت رسیدگی شد در میان آنها
همچو جمع صرف بود اخراج شد و آنچه با امور بود بعد از
سان مرخص خانه های خود کردند که رفته مواجب
سه ماهه حتمی را بپردازند بعد به تبریز آمده در اطلاق
نظام مواجب سه ماهه مالی را نیز نقد دریافت کرد
روانه در بارهای یون شوند

فوج مختاران شقایق ابو الجحج عالیجاه قاسم خان سیر
که قرائول در رب خانه بودند سان دادند و بسیار
اراسته و با نظم بودند مقرب الخاقان قایم مقام
انها را نیز مرخص خانه کرده فوج مهاباد را ابو الجحج
آقا جان خان سمرقند را که مدتی بود در مرخص خانه و
مشغول معارف بودند تقراونی در رب خانه معین نمود که
مشغول امر عزادگی با

۱۴۹۳

سواره قراچور کو ابو اجمعی مقرب انخاقان جعفر قلخان
میر بیچ و سواره جمعی عالیجاه جواد خان نیرسان
مقرب انخاقان قایم مقام از هر کدام پنجاه سوار در
حوالی شهر قرا سوران تعیین نمود که این یکصد سوار
از قافلان کوه تا حلقه پوستان همیشه در گردش
بوده مشغول حراست باشند

فوج دهم خوی ابو اجمعی عالیجاه نجفقلی خان بنک
که بر حسب حکم اولیای دولت قاهره احضار
بمابون شده بودند هنگام رسیدن حکم مزبور خود
عالیجاه نجفقلی خان در تبریز حضور داشته است
مقرب انخاقان قایم مقام حکم نوشت که مواجب
سه ماهه محلی فوج مزبور را از محل خودشان پرداخت
و بشار الیه قدغن آید درین باب نمود که بزودی
سه ماهه محلی آنها را عاید ساخته فوج را بر داشته
به تبریز بیاورد که سه ماهه ثانی را نیز در اطراف
وجه نقد دریافت کرده روانه دربار جها ندرشاه

شوند و بعالیجاه نجفقلی خان نیز بجهت اتهام او در نظم
فوج مقرب انخاقان قایم مقام از جانب اولیای
دولت علیه کیو ب کلیه تر خلعت داده بود

فوج ششامی ابو اجمعی عالیجاه رحمت الله خان بنک
که حسب الامر نامور گردستان بودند مقرب انخاقان
قایم مقام در اوقات غزیت در بارها یون در
راه از منزل میانج حکم داده بود که مواجب سه
محل فوج مزبور را بر دانه این اوقات که حکم رفتن
فوج بتا کید رسید بهار دسته از فوج مزبور بجهت

قراولی در تبریز بودند در اطاق نظام مواجب
انهارا وجه نقد داده و بجهت شش دسته دیگر مواجب
سه ماهه ثانی را وجه نقد همراه یک نفر میرزا با
مشرفان همان فوج روانه نمود چون اگر فوج مزبور
به تبریز آمده از انجا روانه گردستان می شدند
طول می کشید قرار دادند در میانج وجه سه ماهه را
بآنها داده روانه گردستان نمایند در سیزدهم
ذیقعد تخواه فوج مزبور را فرستاد

و همچنین فوج خلخال ابو اجمعی عالیجاه علی اکبر خان بنک
که تا مور خدمت میباشند مقرب انخاقان قایم مقام
نمود که آن نوشته است که مواجب سه ماهه محلی آنها
از محل پرداخته و وجه سه ماهه سینه محلی فوج مزبور
نیز که وصول شده باستحضار عالیجاه اسمعیل خان
سر بنک توپخانه نایب الحاکم خلخال و میرزا نصر الله
مختار لبر باران عاید دارند که حالت معطلی در امور

فوج مزبور نباشد

سواره ششامی ابو اجمعی عالیجاه زمان خان در
ذیقعد وارد تبریز شده اند مقرب انخاقان
قایم مقام در بالای باغ شمال بان آنها بوقت
رسیدگی نموده جمیع اسبان آنها را ملاحظه نموده
هر کدام بدو دند عوض نموده و داغ کرد و نهایت
وقت در راستگی سواره مزبوره نموده در پارک
مرخص شدند

سواره جواد خان و محمد خان چلبیانلو نیز درین
وارد تبریز شده اند و مواجب آنها بوده است

۱۴۹۲

فوج ششم تبریزی ابوالحسنی عالیجاه محمد باقر خان
سرمنگ نیز در این اوقات وارد تبریز گردیده است
و بنا بوده است که سان آنها دیده شود

ت
افواجی را که مقرب انخافان قائم مقام سان ^{بودند}

یک نفر پیر و بمصرف در میان آنها یافت نشود
ازین قبیل بوده اند اخراج کرده و آنچه کسر ازواج
بوده است قدغن کرده است که سر باز خوب
و او طلب بکسند و از هیچ صاحب منصبان و ^{سرکران}
و سره ستمگان الترام گرفته شده است که اگر

یک نفر هم زده و شریک در میان فوج و دست به هم
برسد خود صاحب منصب معزول باشد

حکام جزو اذربایجان که در تبریز بوده اند ^{انخافان}
قائم مقام محض قرائع و زو و راه انداختن آنها چند
روز در باغ مرحوم نجفعلی خان بیکر سبکی رفته است
که قرار کار آنها را داده روانه کند

دیگر نوشته بودند که یک نفر بنده و وزیر در محلی ^{بودند}
شهر شب کشته بودند و آورده بخندق انداخته چند نفر
در آن حوالی آب پیورده اند نشی در خندق دیده بود

خون او را برداشته بجان کلاه دوزی رسانده
که خدای آن محله را خبر کرده بودند که خدایم ^{مستاد}
جان کلاه دوز را باقی خون او گرفته نزد مقرب ^{انخافان}
قائم مقام او بردند مشارالیه منکر شده گفته بودند
مرد با بر او من که امر است ربطی داشت بر خود ^{هموار}

نکردم و او را کشته بکیم نواب مستطاب شاهزاده

و الا تبار نصره الدوله اور بقصاص رسانند
دیگر نوشته اند که امسال زودتر از سالهای
دیگر از تبریزه سایر ولایات اذربایجان بقیاس
عالمیات میروند و درین اوقات فوج فوج روانه
میشوند

دیگر نوشته اند که در اوایل ماه ذی قعدة جعفر نام
طبال فوج خاصه ابوطالب نامی را که چند سال
بر او را کشته بود با خنجر زده بقتل رسانده
ورفته و رسید خمر نشین است

هر وین

از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند بعد
کمال غیبت و اردانی در آن ولایت حاضر است
و نواب مستطاب شاهزاده و نواب عبدالصمد ^{شاهزاده}
و مقرب انخافان حاجی حسنعلی خان در انتظام امور ولایت
در فاه حال غیبت اتهام کامل دارند و علوم الهامی
ان ولایت در عین فراغت و آسودگی بدعا کوفی است
اقدس کالیون شایسته ای اقدام دارند

ار شهر و محلات نظم عام دارد که خدایان و مستحقین
حسب الامر مراقب و مواظب اند که مسرت و خراف
حسابی اتفاق نیفتد و همچنین مستحقین و قرا سوارها
سیخط و حراست طرق و شوارع مشغول اند و عابری
با کمال آسودگی عبور و مرور می نمایند در راه سوال
هوای قزوین شدت گرم شده بوده است ولی
از غزه ذی قعدة که باد شمالی برخواست است جو

خوب و خشک گردیده است

۱۴۹۵

۱۰۰۰	دو هزار	اکتوز بیت من	کتر و کس	از قرار یک از این ولایت نوشته اند کمال ایت و در وقت گوشت یک من
۱۰۰۰	یک هزار و پانصد	یک من	نعمت در اینجا حاصل است با اینکه اسان بجهت نماند	باران در پائیز و بهار زراعت درستی شده بود و نیست
۱۰۰۰	دو هزار و یکصد	چهار من	سببهای دیگر غله کم است باز کم خرداری هفت هزار	وشت هزار و هوز دارد
۱۰۰۰	بشت هزار	چهار من	تعمیر اجناس دارا محلا و طهران	از این مقدار
۱۰۰۰	شش نوبت	چهار من	کندم ساجی و جیشی	بهرار بیت و دو هزار و پانصد
۱۰۰۰	پنج هزار	چهار من	کندم زردی	یک هزار
۱۰۰۰	دو تومان	یک من	کندم دور شهر	یک هزار
۱۰۰۰	شش هزار	یک من	کندم و رانی	یک هزار
۱۰۰۰	نه هزار	یک من	جو	یک هزار
۱۰۰۰	پنج هزار	یک من	کاه	دوازده هزار و پنجاه
۱۰۰۰	سه هزار و پنجاه	یک من	باقلا	چهار هزار و نوزده
۱۰۰۰	دو هزار	یک من	لوبیا	دو تومان
۱۰۰۰	پانزده هزار	دو سیر	ماش	سه تومان و دو پونجا
۱۰۰۰	چهار هزار و نوزده	یک من	سجودسی	سه تومان و چهار پونجا
۱۰۰۰	سه هزار و پنجاه	یک من	ارزن	سه تومان و چهار پونجا
۱۰۰۰	هفت هزار	یک من	نان	یک هزار
۱۰۰۰	چهار هزار و پانصد	یک من	شیره شهد	یک هزار و پانصد
۱۰۰۰	پانزده هزار	چهار من	شک	یک هزار و پانصد
۱۰۰۰	پانزده هزار	چهار من	خرما	یک هزار و پانصد
۱۰۰۰	سه هزار	یک من	شش طعام	چهار هزار
۱۰۰۰	ده شاهی	یک من	خر بزه	پنج هزار
۱۰۰۰	سه هزار	یک من	هندوانه	پنج هزار

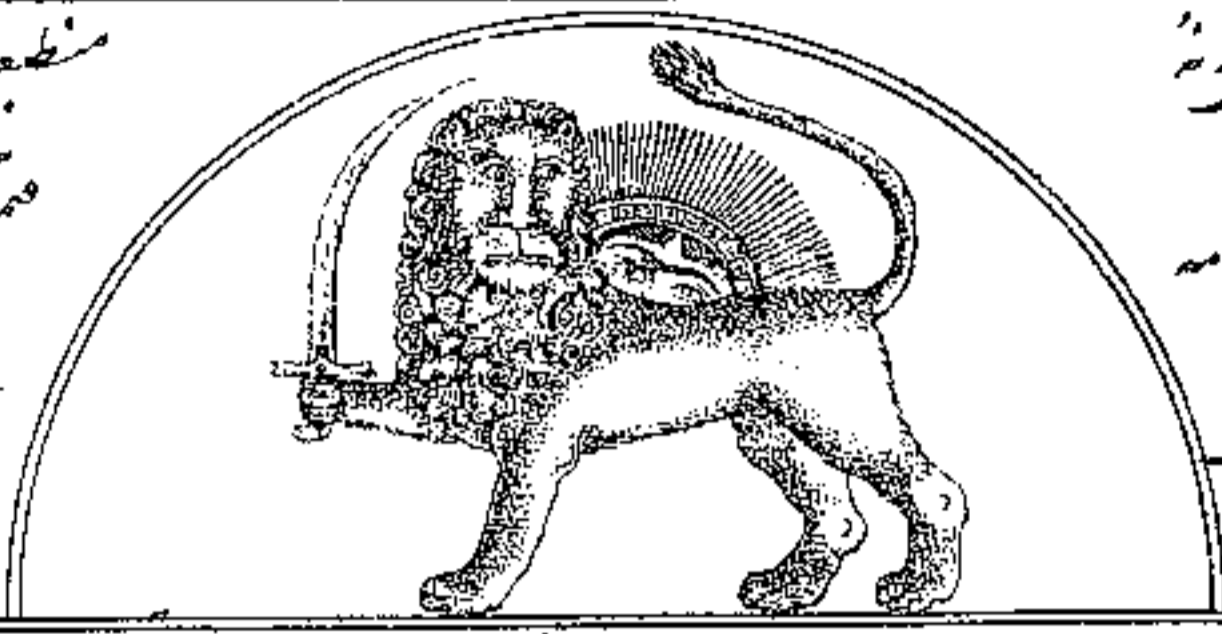
۱۴۹۶

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحتیوم ششم در شهر مشهد و پنجشنبه در مطالع اولیون سال ۱۳۷۱

مزدیت سرور

قیمت روزنامه

هر نسخه ده شاهر



منطبه دار الخلفه طهران

قیمت اعتدالت

هر طریقه شاهر

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

ارووی بهایون

در روز جمعه دهم این ماه که روز عید سعید اضحی بود اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی در عمارت قریه افجه متعلق بجناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم باسلام عام دادند جناب معظم و شاهزادگان عظام و امنای دولت علیه و صاحب منصبان و سایر اهل سلام بعضی قسم که در شهر بودند و بهایون رفته هر یک در مرتبه و مقام خود سیر حضور مبارک گردیده اجرای شلیک توپ و پرچم بقانون سایر ایجاد شد. عالیجا خطیب باسی اوای خطبه بلیغ بنام بهایون اعلیحضرت شاهنشاهی نموده و عالیجا میرزا سروش شمس الشعرا قصیده عزاکه سببه عید اضحی برشته نظم کشیده بود در حضور مبارک عرض کرده مورد تحسین و التفات طوکا گردید و اقصین حضور مبارک سلامتی وجود فایض انجودان

تقدیم شکرانه و مبارکبادی عید اضحی را تهیبت بعلی آوردند

وار الخلفه طهران

در روز جمعه دهم که روز عید قربان بود نواب مستطاب شاهزاده اعظم محسن و الایبار و ولیعهد و ابدهار بنیابت وجود فایض انجودان بهایون سلام نشسته و اجرای شلیک توپ در خارج شهر گردید اول شاهزادگان عظام که بنزد نواب مستطاب شاهزاده و الایبار و شیر میرزا حکمران دار الخلفه طهران و توابع آمده بودند بالاتفاق خدمت نواب ولیعهد شرفیاب گردیدند بعد از آن مقربون انخافان محمدخان بیکری بیکی میرنجه و سایر میرنجهگان و صاحبان نظام و مقرب انخافان میرزا موسی وزیر دار الخلفه با عالیجا ان محمود خان کلانتر و کدخدایان و معارف و اعیان شهر و سایر جاگران دیوانی شرفیاب گردیدند

۱۴۹۷

تعمیرت بعد از این آوردند و بعد از شرفیابی نواب
 ساسان میرزا لعلباشی و مقرب انخافان میرزا علی
 مستوفی لوازم احترام هر یک را موافق شان بر
 منظور داشتند

چند نفر در وزن در شهر مشغول بزرگی و خلاف شرع
 بودند آنها را گرفته خدمت نواب مستطاب شاهزاده
 والا تبارار و شیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران
 و توابع آوردند حسب احکام تنبیه مضبوطی شده از
 شهر اخراج و هر یک بوطین اصلی خود فرستاده

با تمام رنجانی در میدان گاه فرو شهادت کان
 رفتند و در وقت نماز توسط میرزا بزرگ که چندان
 دستگیر شده چون از دزدان می مشهور و بگرات میرزا
 صرفت شده بود حسب احکام نواب شاهزاده بعد از
 سیاست چهار کرده در بازار ناکر و اندک اخراج
 بلد کردند

محمد قاسم نام ترک چخومان میرزا خلیل برودی
 قرض داده و اسپانی هم کرده گرفته بود درین اوقات
 وعده نخواه رسید محمد قاسم بزور اسباب گرومی
 بر داشته با اتفاق شخصی برودی که واسطه بوده است
 روانه خانه میرزا خلیل شده اند که نخواه را دریافت
 نمایند درین راه حالت مشارالیه بهم خورده و
 بدیوار خورده فوراً در گذشت

رحم میرزا ابوالقاسم خان که از غنوبان جناب
 اشرف امجدار فتح صدر اعظم بود در ثور رحمت از
 پیوسته نفس او را به دارالخلافه مبارک آوردند و روز

ورود عالیجنابان محمود خان کلانتر و که خدایان و معارف
 بیرون رفته با احترام تمام جنابزاده او را آورده در
 مقرب انخافان میرزا فتح الله شکر نویس باشی گذار
 در خانه مقرب انخافان قایم مقام مجلس فاسخه برپا نمود
 تا سه روز عالی واعیان و اراخلافه از وضع و شرح
 و نوکر باب و غیره بجلس فاسخه حاضر شده روز ششم
 نواب مستطاب شاهزاده والا تبارار و شیر میرزا حکمران
 و اراخلافه طهران و توابع باسجافه رفته مجلس فاسخه پدید

چچ طاق از بازار نوقدیم سمت دکان علی یک قاری
 که بعضی وقف مسجد شاه و بعضی مال اشخاص دیگر
 سنگت خورده در کار خراب شدن بود مراتب عرض
 نواب مستطاب شاهزاده والا تبارار و شیر میرزا حکمران
 دارالخلافه طهران و توابع رسید مقرر است که
 صاحبان دکانین خراب کرده از نواب زید در

خراب نمودن طاقها فضا ان آقا برادر عالیجناب مقرب
 میرزا رحیم شیخ مت که در توپخانه صاحب منصب بود
 شب در ارک کشیک داشته صبح بمنزل خود رفت
 عیمو و از قضایای العاقبه معارفان عبور مشارالیه از با
 نه بجز طاق بر سر او فرود آمده بکران او را خور و کرد
 و همان ساعت تسلیم نمود یک نفر آدم او نیز در زیر
 خرابی مانده بود بیرون آوردند بنور عیب کرده است

عالیجناب میرزا رحیم در خانه خود مجلس فاسخه خوانی برپا
 نموده روز و نیم چون روز عرفه بود مقرب انخافان
 میرزا موسی و زید در اراخلافه از جانب نواب مستطاب

۱۴۹۸

شاهزاده اعظم و الایثار و لیعهد دولت علیه و ثواب
مستطاب شاهزاده اردشیر میرزا با سخا رفقه مجلس

برجید امور استقونی

تو پیمان و زنبور کجیان و افواج قاهره مستوفین دارخانه
مبارک که همه روزه از طلوع آفتاب در میدان ارک
میدان مشق خارج در روزه دولت حاضر گشته مشغول
مشق میباشند و عموم صاحب منصبان کمال بر آفتاب
در تعلیم قواعد نظامی دارند

در یوم چهارشنبه پانزدهم امیرالامرا العظام در
کل عا کر منصوره که بعد از ورود موکب بایون بنیاد
بشهر آمده بود صبح روز منور بلاخط قورخانه و جبهه خانها
رفته بکار خانها و کارهای هر یک هر یک وقت و
رسیدگی نموده قرار انتظام امر آنها را داده است
نمود

سواره نظام که مرخص خانه بودند احضار و در اختلافه
مبارک شده حاضر گردیدند و سان دادند و هر روز
در بیرون دروازه دولت مشق میکنند

از قرار یک خبر از اردوی بایون رسید در روز
دوازدهم سوکب فیروزیه کوکب از آنچه حرکت
کرده یک شب هم در کنار رودخانه جاخورد و توقف
نموده روز دوشنبه زنبور کجیان و اردان تشریف فرما
گردیدند و عید غدیر را نیز از قرار مذکور در آنجا
خواهند داشت

چون امسال عید قربان را اعظم حضرت شاهنشاهی در
انچه تشریف داشتند حسب الامر مقرر شد که شتر
قربانی در آنجا شتر شود و عالیجاه محمود خان کلانتر
اصناف را که از هر صنفی یک اسب یورقه پالانی سوار
و چند نفر پیاده خوب وارد پیش روی او و تقارن خانه
در جلد سوار بقربانگاه رفته بعد از شتر قربانی هر صنفی
عضومی از آنرا که سهم آن صنف است برداشته در پیش
روی مالهای خود گذاشته خوب داران پیش روی

انها افتاده از قربانگاه مراجعت می کنند امسال بهمان
ترتیب تقریب آنچه برده شتر قربانی را موافق معمول
در محلی که مسافتی تا عمارت و جای سلام داشت نمود
هر صنفی سهم خود را برداشته مراجعت کردند چون
عالیجاه محمود خان کلانتر در انتظام آنها اهتمام نموده
و بهتر از سالهای دیگر از عهد برآمده بود حدما
او مستحسن خاطر ملوکانه افتاده حسب الامر یک ثوب جیمه
ترمه لاکه کرمانی خوب بشار را لیه طاعت مرحمت کرد

سایر ولایات

هم از قرار یک در روزنامه قم نوشته اند امور از لایه
در کمال انتظام است و از حسن مراقبت و موافقت
مقرب بانحافان ذوالفقار خان نهایت رفاه و
از برای رعایا و مالی آنجا حاصل است و کسی قدرت
سرفقت و شرارت و خلاف حساب ندارد و اگر
بندرت سرفقی اتفاق بیفتد سارق دستگیر شده
تنبیه میشود و اموال مسروقه مسترد و بجا حبس
و هم چنین در بیرون شهرها مستحقین در گردش پیا

۱۲۹۹

فروین

از قرار یک در روزنامه فروین نوشته اند لواء شاد
والا تبانیید الصمد میرزا حکمران فروین و مقرب انخافان
حاجی حسنعلی خان پیشکار در نظام امر ولایت و قاضی
و اسودکی رعیت نهایت سعی و اهتمام را دارند
خصوصاً در آبادی ولایت و تنفیذ قوایم قری و مزاج
از جمله قنات سکر آباد را که خرابی بهم رسانده بود
مقرب انخافان حاجی حسنعلی خان معنی و ادم و سبب
فرستاده تنفیذ خوبی نموده اند و آب زیاد از آنجا
جاری شده است بطوریکه از قرار تصدیق رعایا تا
سجالی اینقدر آب زیاد از قنات مزبور جاری شده
بود و چون در سواه سابق بجهت قلت آب رعیت
در آنجا کم می شد امسال که آب آنجا زیاد شده است
مقرب انخافان مشارالیه ادم بدایت حول و حوش
فرستاده است که بجهت زراعت سبزه عوامل و ادم
امداد نموده بقدر کفایت در آنجا زراعت نمایند
اینمندی سبب از دیاد شکر گذاری و دعا گوئی رعایا
گردیده است

دیگر نوشته اند که رضا خان نامی ادم آقا محمد جعفر لیس
از قریه آقا بابا بجهت معنی بشه آمده در کار و انصرافی حاجی
از آقا محمد تقی نام سقط فروش قد و چای خرید و
حوز بین گذاشته و با تفک خود به دست آقا محمد تقی
سپرده بود که بیزار از رفته سایر کارهای خود را
صورت انجام داده بیاید و روانه شود بعد از آن
از بازار حوز بین را گرفته برک اسب بسته و لشکر را

۱۵۰۰

خواستار بود آقا محمد تقی لشکر را از طرف ته قند
به دست او داده بود و بعضی رسیدن دست او به قند
لشکر در رفته و کلوله به آقا محمد تقی گرفته مقبول شده است
در رضا خان قائل محبوب است که اگر معلوم شود
بعد از کتب قتل شده باشد بقانون شریعت مطهره
قصاص شود یا بدیهه امر او را با او مقبول بکنند
دیگر نوشته اند که مقرب انخافان حاجی حسنعلی خان
هر روز از طلوع صبح الی غروب در عمارت باغ
نشسته بعبایض و مطالب مردم کمال وقت و غور
مینماید و در انجام حاجات دیوانی نهایت اهتمام
میدارد و بعضی بهرینگی تا که سابقاً در آن ولایت بود
حالا بکلی موقوف شده است از جمله قمارخانه فروین
در جزو عمل دار و عملی نیست تو مان در سال اجازه
و باین واسطه الواط و او باش بر ملا قمار بازی میکردند
و احياناً در خانهای مردم نیز باین سبب مرفق الفا
می افتاد و مقرب انخافان مشارالیه نسبت تو مان را
از خود تخفیف داده و عمل قمار بازی را موقوف کرده
و قدغن نموده است که اگر کسی برکتب قمار بازی بشود
مورد مواخذة و سیاست باشد و از آنوقت که
این عمل موقوف شده است اهل آن ولایت نهایت
اسودکی و شکر گذاری دارند

دیگر نوشته اند که مقرب انخافان مشارالیه در این
امر طرق و شوارع نهایت سعی و اهتمام را دارند و در
اوقات فراغ آنها مستحفظین را خواسته و التزم گرفته است
که اگر مال کسی در راهها بسرقت برود آنها از عمده برآیند

مرد
از قراریکه در روزنامه یزد نوشته اند از اینها متعجب
محمد یوسف خان سرتیپ نایب الحکومه یزد و امور اولاد
قرین انتظام و انضباط است و رعایا و برایا بکمال
فراغت و آسودگی مشغول عیشتی و کار و کسب خود بود
و استا فاس ها یون شامشای میباشند و خلاص
قاعد از کسی ناشی و صادر نمی شود امر حراست و مستحفظی
شهر و محلات بعهد سربازان فوج جدید کرمانی الواب
عالیجاه میرزا کوچک خان سرتیپ است و شبها
در سرگذر و محلات شهر مشغول قرادلی میباشند
و باین واسطه کسی نمیتواند مرتکب سرقت و شرارت
و خلاف حساب بشود و عموم مالی الوالات از حصول
رفاه و امنیت کمال امیدواری و شکر گذاری
دارند

چون در منازل عرض راه یزد آذوقه و اجناس را
بسیج کران بجا برین و مترودین میفرودخته اند و بجهت
این بر حسد عشرتی حاصل شده است متعجب است
محمد یوسف خان بر حسب حکم دیوان اعلی دیرین باب
قدغن اکید کرده و التزام گرفته است که در منازل
مزبور زیاده از نرخ آبادیها اگر جنس بجا برین و
مترودین بفرودشد مورد حواخذة و جریمه باشند و
زیاده استقام درین خصوص نموده قوافل و را بگذر
باین سبب کمال شکر گذاری و آسودگی را دارند

و یکر نوشته اند که از خانه شخصی یک مجری برفتند

بودند صاحب مال آمده مراتب را بعرض متعجب است
محمد یوسف خان رسا نده و سبالی کزاف او
نموده بود که در مجری بوده است متعجب است
بداروغه و کد خدایان قدغن اکیه کرده بود که حکما
سارق بدست بیاید و مال مسروقه پیدا شود آنها
نیز در مقام تفحص بوده اند همان روز چهار نفر سرباز
از کنار خندق مسکند شده اند مجری شکسته یافته
بودند درین بین آدمهای داروغه رسیده سربازان
گرفته با مجری نیز و متعجب است متعجب است
بودند تا زمانه زیاد با نهار زده و مطالبه مال را کرده
بود و گفته بودند تا مال خبر نداریم این مجری را
در خندق یافته ایم گفته بود و آنها را بجنس برده بودند
شخص سارقی که چند وقت قبل دستگیر شده
جنس بود بجال سربازان که بی خبر از وجه مسروقه
بودند ترجمه نموده گفته بود که من در این مال را می
حسین نامی است یزدی در فلان محله فرستاده او را
آورده بودند معلوم شده بود که چند دفعه قسم در
کرده بود و گرفته بودند بعد از عینی مرخص کرده اند
در باب این مجری تحقیق کرده بودند گفته بود مجری را
من برده ام و دو وزده تومان وجه نقد در میان او
بود و دفن کرده ام آدم هم همراه او فرستادند متعجب
آورده بصاحبش رد کردند و در زور اقبیه و سیاه
نموده اخراج بلد کرده سربازان را که بی تقصیر تا زمانه
خورده بودند آورده بتلافی صدمه و اذیت با آنها
و توارش کرده بود

۱۵۰۱

دیگر نوشته بودند که سه چهار نفر اطفال کوچک سن
هفت شش ساله در صحرای مشرق شرقی بودند
و با هم بازی میکردند از راه شوخی بازوی یکی
بهم رسد شتری بسته بودند درین بین شتر رم خود
حرکت کرده بازوی آن طفل را از گتف جدا

بود

از قراریکه تعمیر اجناس و باکولات بزور انوشته
بودند در ماه گذشته و بقعه احرام ازین قرار

بوده است

کندم	یکجوزار	سه تومان و ششزار
جوب	یکجوزار	دو تومان و چهارزار
گاه	یکجوزار	شش هزار
هیزم	یکجوزار	شش هزار
گوشت	یکمن	پار و پشاهی
برنج چپا	یکمن	هزار و دینار
قد	یکمن	چهار هزار و پانصد
روغن	یکمن	سه هزار
غیر شور	یکمن	هزار دینار

سایر اجناس نیز باین منطف تعمیر داشته است

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا کوچک خان سر
در انتظام امر سر باز و مشق آنها نهایت اهتمام
دارد و روزهای هفته را با آنها مشغول شرار گذاشته است
در میدان مارنج قلعه مشق می کنند و در مشق مهارت
تمام بهم رسانده اند و در رساندن جیره آنها

زیاد دارد و در اول هر ماه در دیوانخانه سر باز را
حاضر کرده در حضور مقرب آنها خان محمد اوست خان
جیره آنها را فردا فردا میرساند و سر باز نیز بورد
انتظام حسن سلوک با مالی آنها رفتار نمایند
و خلاف نظامی از هیچیک از آنها ناشی و صادر نشود

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امیر الامراء
محمد حسن خان سردار حکمران بزور و کزمان در انتظام
امر ولایت و رفاه و آسودگی نوکر در رعیت و انجام
خدمات دیوانی اهتمامات کافی معمول میدارد و هم
در انتظام امر طرق و شوارع قدغن آید کرده و مستحفظ
و قراول در هر جا گذاشته است که معمول حفظ و حرا
باشند و عا برین با اطمینان و خاطر تسبیح عبور مود

نایند

چون حسب الامر امنای دولت علیه مقرر شده بود
که چاپارخانه های مالک محروسه در همه جا ساخته
تعمیر شود از جمله چاپارخانه های کرمان را امیر الامراء
سردار بصول آگاهی و در روز پنجشنبه یک چاپار حکم
نوشته و آدم روانه کرده است که از کرمان الی آخر
خاک بزود آنچه چاپارخانه تعمیر لازم داشته باشد
در کمال خوبی و استحکام تعمیر کرده بضا بط چاپاران
سپرده قبض رسید از آنها دریافت کرده پربا
جماعه از بایون بفرستند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم ماه محرم مطهر سال ۱۳۰۳

منطبعة دارالخلافه طهران

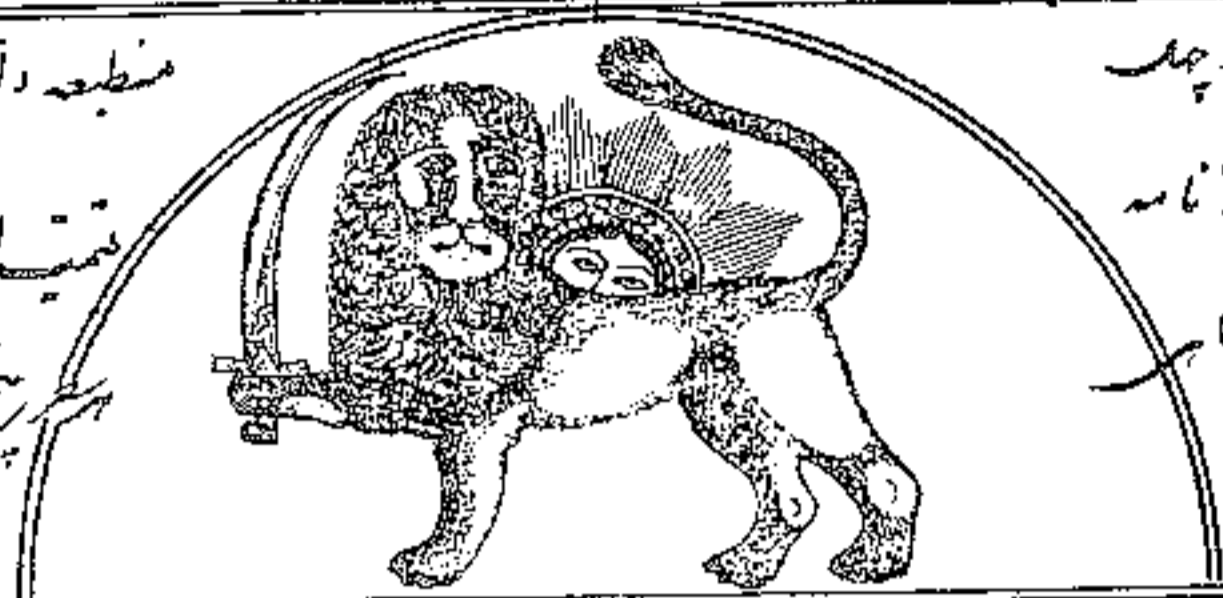
نزهت و چید

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خط پنج هر

هر نسخه ده شاهر



اخبار و احوال ممالک محروسه و سایر

اردوی هالیون

در روز بیستم این ماه که روز عید غدیر و اعیان معظمه است که این دولت علیه است حضرت قوی شوکت شاهنشاهی در عمارت بناوران باسلام عام و اذن جناب امجد اشرف ارفع صدر اعظم و شاهزادگان عظام و سایر ارباب دولت علیه و مقربان حضرت کرده و بسطت سینه و صاحب منصبان نظام و خوانین عظام و عموم چاکران در بارگاه شرفیاب حضور مبارک گردیده هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده اجرای شلیک توپ و زنبورک تقالو معموله گردیده یکصد و ده تیر توپ بجهت تسنیت شلیک شده و ادای خطبه بلیغ در حضور مبارک بنام جناب ولایت آقاب علی ابن ابیطالب علیه السلام

گردیده بدعای بقای وجود فایض وجود الهیون ختم شده و عالیجاه میرزا سروسس شمس الشراقصیده غزاکه بجهت عید غدیر برشته نظم کشیده بود در حضور مبارک عرض کرده موقع قبول و استجابت یافته و اطمینن مواقع حضور مبارک از عنایات مملکت بهره مند گشته سلام عام منقضی گردید چون توقیر و احترام جانب علمای اعلام و فقهاء همواره اوقات منظور طراقدس هالیون شایسته از جمله جناب حاجی ملا محمد محمد کاشانی که بزیارت ارض اقدس رفته و معاودت بدر بار هالیون نموده در بنیاد و ران شرفیاب حضور مبارک و مورد تقدسات ملوکانه شده بود و نذر روز عید غدیر اعلیحضرت شاهنشاهی بیارزدید جناب مشارالیه که

۱۵۰۳

در عمارت جناب اشرف امجدار رفع المحشم صدر اعظم منزل داشت تشریف فرما کرد و بیدلوازم و احترام او را بعل آورد و بکثوب عیالی ترمه و بچاه توان وجه نقد بخود جناب شاریه و بدین موجب خلقت

جناب آقا سید احمد بروی حاجت میرزا جلال الدین سال رمضان وجه نقد پیر جناب عیالی طاهره و بچاه توان در وجه همگان جناب شاریه و بچاه توان

و انعام همگان او رحمت فرمودند و از جانب جناب اشرف امجدار رفع المحشم صدر اعظم و جناب هم لوازم تعارفات و رخصت آنها بعل آمد و مقضی رخصت انصاف از موکب همایون بکاشان حاصل نموده در روز یکشنبه که جناب اشرف امجدار صدر اعظم مبارک آمدند جناب شاریه هم مسراشان مبارک آمدند که در راه وطن بودند

چون خاطر منظر علیحضرت قدر قدرت است همایون شاهی مسواره در ابداع و اختراع در طلبه امور و تصرفات بدیست که هیچک از ملوک باطنی را اینگونه جودت ذهن و استقامت تلیقه دست نداده

چندی قبل بمقرب انخاقان آقا محمد حسن صند و قدر و خان جو ابرقینه خاصه پادشاهی حکم شده بود که کل کمری با لباسهای برلیانت که در صنعت زرگری حسن کسب

و سبکی وزن و سنگینی قیمت از سایر کل کمرهای پادشاهی اعتبار داشته باشد با تمام رساند مقرب انخاقان شاریه اهتمامی تمام در این باب نموده با ستادی استناد کرد و روی موافق فرمایش علیحضرت شاهی کل کمر بزرگ در مدت چند ماه در کمال خوبی و امتیاز با تمام رسانید و در روز عید غدیر که در آن روز که دین احمدی قیامت اسلام را راسته بود در قصر نیاوران بنظر کمیاب اثر رسانید و زر کمر بزرگ و در حسین و انعام و خلعت بسته از جانب سنی ایچو این همایون کردید از قرار که قیمت او را حسب معین نمودند بمبلغ دولیت هزار تومان با تمام رسانید

چون عالیجا میرزا علی اکبر اجودان باشی توپخانه مبارک در خدمات محوله مراتب ایتمانات و صداقت و راستی خود را ظاهر ساخته و مقرب انخاقان رضوان آقا میر خجه توپخانه مبارک که رضامندی از حسن خدمتگذاری او داشت لهذا بنطبق استدعای مقرب انخاقان شاریه استای دولت قاهره حسب الاشارة العلیه مبلغ یکصد تومان بر مواسبت او افزوده و تحویل داری کل توپخانه مبارک و اصطلب توپخانه مبارک که را با عالیجا شاریه و انکه فرمودند

چون عالیجا نصر الدخان سرمنک زنبورکخانه مبارک که در عید اضحی و عید غدیر و جشن بازی آنچه زنبورکچیان بارده میون برده و خوب شلیک کرده بودند که بکلیت سال لاک خوب شاریه

۱۵۰۴

خلعت و وجه نقد به زنبور کچیان بر رسم انعام هر
کردید

و اسم چنین عالیجاه الله خان سرمنگ قورخانه
مبارک که قورخانچیان او اسباب آتش بازی با خود
و خوب آتش بازی کرده بودند یک طاقه شال کشمیری
بعالیجاه مشارالیه خلعت و وجه نقد بقورخانچیان که
آتش بازی کرده بودند انعام فرمود

و از آنجمله طهران

در روز یکشنبه نوزدهم جناب امجد اشرف ارفع
افخم صدر اعظم تجیه رسیدگی امور قورخانه مبارک
وجه خانها و بنائیهای عمارات مبارکات و سایر
ویوانی از نیادران بشهر آمدند اول بنائی سرور
نکارستان و سایر جایهای انجار را ملاحظه و دید
نموده بعد از آن بیاع نظامیه آمده ساعتی در انجا
وقت عصر بخانه مقرب انخاقان قایم فرمود و بجهت
مرحوم میرزا ابوالقاسم خان دلجوئی از متعلقان
کرده بعد از آن بنجانه مقرب انخاقان میرزا فتح الله
که کسرمزاج داشت رفقه عیادت نمودند و شب
بیاع نظامیه کردند و روز دوشنبه بشهر آمده خرابی
متصل مسجد شاه را ملاحظه کرده قرار ساختن انجار دادند
و از آنجا بقورخانها و جنبه خانها آمد و جمیع کارخانها
سرکشی نموده و بکار هر یک از اصناف به وقت تمام
رسیدگی نموده نمونه از هر اسبابی که در کارخانها ساخته

بودند بر داشته مقرب انخاقان حاجب الدوله که
که بنظر اقدس همایون شاهنشاهی برساند و با حاد
افراد استادان کار و از باب صنایع نهایت التفات
نموده پس از تکمیل جمیع کارخانها بکارخانه فالسقه
رفته در آنجا با امیر الامراء العظام سردار کل نشستند و
مباشرتین قورخانها و جنبه خانها را احضار و رسیدن
تخواه قط هر یک را استوال و تحقیق نمودند و معلوم شد
که قط هر یک تمام و کمال رسیده است و در گرفتن
کار از مباشرتین و تحویل دادن بعالیجاه حاجی موسی جان

کمال تاکید و سفارش را بقرب انخاقان کلب حسین خان
سرتیپ نمودند که ماه بانه مطابق قسطی که معین شده است
اسباب بدون عیب و نقص از مباشرتین گرفته بکار
انبار نگارید بعد از فراغت از امور انجا به بازارچه جدید
شراکتی مقرب انخاقان حاجب الدوله و عالیجاه محمود خان
کلاتر آمده تا شام نموده قرار دستور العمل انجار دادند
و بعد از آن ببازدید بنائیها و تعمیرات ارک مبارک از
قبیل دفترخانه و نو نچانه و ویوانخانه بزرگ و عمارات
باغ و کلاه فرنگی و حوض بزرگ و بنائیها و تعمیرات عمارات
اندرونی و عمارات پشت تخته پل جدید هر یک هر یک
به وقت رسیدگی و تاکیدات اکیده در اتمام آنها نموده
از انجا بکاخ گذرخانه پرون شهر رفته تمامی اوضاع
بنائی انجار را ملاحظه کردند بعد از فراغت ازین امور سه ساعت
بنیادوران سایر ولایات روانه گردیدند

۱۵۰۵

کرمان

کاشان

از قرار یک در روزنامه کرمان نوشته بودند امور
 اولایت از هر جهت و هر عیبت منظم و منسق است
 امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمران بزرگ
 و کرمان در خالصه سعدی خارج شهر بوده است
 و بنا بوده است که پنجم ماه محرم بشهر بیاید ^{مهر}
 عبدالمدخان میرنچ نیز در خارج شهر نقل مکان کرده
 اراده ماکو داشته و بنا بوده است که در دویم
 ماه ذیحجه از آنجا حرکت نماید از قرار یک خبر از راه
 خبیص رسیده بود جمعیتی از بلوچ پنجم دست اندازیکما
 از آن راه گذشته بود اندامیرالامرا العظام
 سردار بخش استحضار احکام موکد بهمینسانزل ^{ستاره} فرود
 بود که قراولان دستخطین در هر جا با استعداد
 و جمعیت آماده و خبردار باشند و اگر از آن فرقه ضا
 حری بشود و احتیاج جمعیت باشد رفود خبر بفرستند
 که امداد برای آنها روانه نمایند
 دیگر نوشته بودند که چون سال تجار از هر جانی و چه
 نقد فرستاده بودند که کورک خرداری نمایند ^{بجهت}
 کورک در کرمان ترقی کرده پنجم شالبا فهای کرمان
 حشرتی حاصل می شد امیرالامرا العظام سردار
 ورین باب قدغن نموده و احکام بکل بلوکات فرستاد
 بود که کورک بخارج نفر و شدند و بکرمان بیاورند
 که کارشال با فهای کرمان از رونق و رواج نیفتد

از قرار یک در روزنامه کاشان نوشته بودند
 در آران و بیدکل چند وقت پیش ازین ناخوشی
 و بابرور کرده و بقدر یکصد و پنجاه نفر ازین ناخوشی
 تلف شده بودند و مردم ازین حمله زیاد شوش
 بوده اند لکن از تقضات خداوندی چند روز ^{است}
 که بجلی رفع گردیده و اثری باقی نمانده است و
 همه مردم آسوده خاطر گردیده هر کس بکار و کسب
 خود مشغول میباشد
 دیگر نوشته بودند که صفر نامی که بدردی و شرارت
 مشهور بوده است در روز روشن شخص سیدی
 و مرد صراف را زخم زده بود و خواسته بودند او را
 بگیرند فرار کرده با نام زاده پشت مشهد به بست رفته بود
 عالیجاه محمد حسن خان حاکم کاشان نیز جناب
 آقا سید مهدی پشت مشهدی فرستاده او را
 خواسته بود جناب مشا را الیه سم چند نفر اوم
 فرزند فرستاده همان صفر نام را ابرار تیار
 دستگیر کرده بنزد حاکم فرستاده حاکم او را ^{سخت}
 نموده چون از اشرا مشهور آولایت است او را
 مجبوس کرده و مراتب را با ولیای دولت علیه
 عرض نموده است تا بد آنچه حکم از دربار هایون
 در باب مشا را الیه صادر شود حاکم در آنجا از ^{تعارف}
 رفتار نماید

۱۵۰۶

استرآباد

از قرار که در روزنامه استرآباد نوشته اند امور
 انولایت اخسن مراقب مرتب انخافان محمد و لیخان
 بیکر سیکل قرین انتظام است خود مراقب انخافان
 بجهت انتظام امر طوایف ترکمان و وصول مالیات آنها
 در میان کوکلان است و تا دسم و پنجه احرام نورما
 نکرده بوده است عالیجاه محمد جعفر خان پیش بیاب
 در استرآباد مراقب انتظام امر ولایت و انجام خدمات

دیوانی است

در هفتم ماه ذیحجه احرام از قرار که نوشته بودند
 باران بسیار شدیدی از وقت ظهر تا حوالي عصر
 آمد بطوریکه در اندک مدت راه آمد و رفت از اغلب
 جایها آب گرفت و ده پانزده خانه را خراب کرد
 بروج و بدنه شهر نیز قدری خرابی ساند بود
 دیگر نوشته بودند که در نوزدهم ذیقعد بقدریکصد
 پنجاه نفر از طایفه ضلّه آتابای ترکمان بنا بر عداوتی که
 با عالیجاه قلیخان یوزباشی دارند بجزم تاخت و تاز
 اطراف شهر استرآباد آمدند و گاهای شهر را پیش کرده
 بودند و در مراجعت علما مان سبیل سپر جمعی عالیجاه محمد جعفر خان
 که در نواحی شهر مشغول قرار اولی بودند اند سر راه با آنها گرفته
 و چون جمعیت قراولان زیاد از چهل و پنجاه بوده است
 آدمی نیز عالیجاه محمد جعفر خان بجهت اخبار و استخبارات
 بودند عالیجاه مشارالیه نیز فوراً مستحظین بروج و دروا
 باد او فرستاده نمود نیز سیر و ان آمده بعد از وصول
 مستحظین پیاده سواره سبیل سپر جبری شده بسوارگان

حمله در و پنجاه نفر از آنها را بقیه کلوله روانه سفر کرده بکرس
 اسبم از آنها بدست تحفظین پیاده افتاده باقی چاره
 بجز فرار ندیده همین قدر توانسته بودند که زخم داران خود
 بترک کشیده دست از گاو و ما برداشته مخزن و لاوه
 با کمال خواری فراری شده بودند

و همچنین در شب بیست و یکم ذیقعد سوار بسیاری از
 طایفه مزبور آمده در نزدیکی قلعه محمود کین کرده بودند
 و زوای آن شب قریب بظهر قلعه مزبوره تاخت آورده
 عالیجاه قلیخان یوزباشی نیز با سواره و استعداد خود مقابله
 و مقاومت شتافته سواره ترکمان صرف در جنگ ندیده
 بی نیل مقصود مراجعت کرده اند

و همچنین در بیست و سیم ماه مزبور با یکصد و پنجاه نفر
 سوار از تاجان طایفه بخیمر بقریه قلی آباد تاخت گاه و در قریه
 مزبوره رازانده دو نفر مرد و زن نیز اسیر کرده بودند
 ملک اسمعیل عموی قلیخان یوزباشی که که خدای انجاست با
 پیاده و ایلیجاری خود آنها را تعاقب کرده بود سواره
 ترکمان نیز بکثرت عدت خود و غلبت جمعیت زالیه معروفه
 برگردیده و ندان طمع تیر و مشول ستیز و او نیز شده بودند
 بعد از زد و خورد و کیر و دار ملک اسمعیل بر آنها فائق آمده
 دو نیزه سر و شش روس اسب از آنها بدست آورد
 و چنانچه نیز زخمی نموده و دو نفر اسیر را نیز ستر کرده
 سواره ترکمان گاو و رسته را بجا گذاشته جان خود را
 بدر برده بودند

و هم در آن اوقات سواره بسیار از ترکمان مزبور بجزم
 تاخت فوج آورد آمده بودند چون عالیجاه محمد علیخان

۱۵۰۷